

تاریخچه ۸ مارس

در هشتمین روز ماه مارس (۱۷ اسفند) سال ۱۸۵۷ زنان کارگر کارخانه‌های نخ‌ریسی شهر شیکاگو در اعتراض به شرایط نامناسب و غیرانسانی کار به خیابان‌ها ریختند. خواسته‌های آن‌ها روزی ۱۰ ساعت کار، دستمزدهای عادلانه‌تر و حق رای برای زنان بود. آن زمان حقوق کارگران بسیار ناچیز بود و ساعات کاری کارگران گاهی حتی به بیست ساعت در روز هم می‌رسید و تنها مردان ثروتمند حق رای داشتند. پلیس با حمله‌ی وحشیانه به صفوف معترضین، بسیاری را زخمی کرد و چندین نفر را نیز کشت. پس از آن بارها تظاهرات زنان و یا کارگران در آمریکا به خون کشیده شد. سال‌ها بعد در سال ۱۹۱۰ «کلارا زتکین» عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان پیشنهاد کرد به یاد کشته شدگان اولین تظاهرات زنان در شیکاگو، ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن شناخته شود.

پس از تصویب این پیشنهاد در انترناسیونال دوم (مجمع جهانی سوسیالیست‌های جهان) در سال ۱۹۱۱ هر ساله در کشورهای مختلف جهان تظاهرات مختلفی برای گرامی داشت این روز و اعتراض به شرایط بد زنان برگزار می‌شد. این روز تا سال‌های بسیار تنها در تقویم کشورهای سوسیالیستی به رسمیت شناخته شده بود اما با گسترش مبارزات زنان در کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز این روز به رسمیت شناخته شد. نهایتاً در سال ۱۹۷۷ سازمان ملل متحد ۸ مارس را رسماً روز جهانی زن نامید.



سیر قانون

با آن که انقلاب جنبشی همگان بود و زنان و مردان در کنار هم در آن شرکت داشتند، اما پس از آن نه تنها تلاشی برای رفع تبعیض‌های موجود در جامعه و قوانین صورت نگرفت بلکه موجی از تبعیضات گوناگون جاری شد.

هنوز یک ماه از انقلاب نگذشته بود که امام خمینی در مدرسه رفاه اعلام کرد که زنان باید در وزارتخانه‌های اسلامی با حجاب شرعی حاضر شوند. به دنبال این سخن موجی از اعتراض در بین زنان برخاست. با این وجود بسیاری از سازمان‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی از لزوم حجاب دفاع کردند و به این ترتیب در تیر ما ۱۳۵۹ ورود زنان بدحجاب به ادارات دولتی ممنوع شد. در ماه رمضان سال ۱۳۶۰ با اعلام مقررات مربوط به ماه رمضان اماکن عمومی موظف شدند که از ورود زنان بی حجاب جلوگیری کنند. در سال

بعد گشت‌های پلیس ویژه‌ی مقابله با حجاب غیراسلامی آغاز به کار کرد و در سال ۱۳۶۳ با تصویب قانون مجازات اسلامی، حکم ۷۴ ضربه شلاق برای عدم رعایت حجاب تعیین شد تا روند اجباری شدن حجاب، آخرین گام خود را بردارد.

در بهار ۱۳۵۸، رسماً قانون حمایت از خانواده ملغاً شد. این قانون در سال ۱۳۵۴ تصویب شده بود و رسیدگی به امور خانواده را به دادگاه‌های خانواده می‌سپرد. همچنین حق طلاق مرد محدود شده و شرایطی هم برای تقاضای طلاق از طرف زنان که از جمله آن ازدواج مجدد بود در نظر گرفته شده بود. اما با لغو این قانون در سال ۵۸ دادگاه‌های خانواده جای خود را به دادگاه‌های مدنی داد که حق طلاق را به مراجع شرعی می‌سپرد. در همین سال، سن ازدواج دختران از ۱۸ به ۱۳ سال کاهش داده شد. و با تحصیل دختران ازدواج کرده در دبیرستان ممانعت به عمل آمد. همچنین هنرستان‌های مختلط تعطیل شد. حکومت برای محدود کردن فعالیت زنان در خارج از خانه، درصد محدود کردن تعداد مهدکودک‌های کارخانه‌ها و ادارات برآمد که مورد اعتراض زنان قرار گرفت. مراکز رفاه خانواده تعطیل شد و مراکز کمک به کودکان و تنظیم خانواده محدود شد. توزیع قرص‌های ضد حاملگی کاملاً محدود شد و تنها زنان بالای ۴۰ سال حق استفاده از آن را داشتند.

در سال ۶۱ زنان از حق حضانت فرزندان خردسال خود پس از جدایی محروم شدند و در سال ۶۸ حق انحصاری شوهر به طلاق زن موکول به حکم دادگاه‌های خاص و بر اساس موازین اسلامی شد.

با تصویب قانون اساسی ۵۹، بر نقش زن به عنوان مادر و همسری خوب تاکید شد و می‌توان گفت که محور اصلی سیاست در رابطه با زنان با تاکید بر همین نقش قرا گرفت. و با همین تفکر بود که قوانین بالا گذاشته شد و قوانین دیگری نیز در همین راستا به تصویب رسید

بر اساس همین نگاه بود که در سال ۱۳۶۱، لایحه کار نیمه‌وقت زنان به تصویب رسید. در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، خانه‌داری و تربیت فرزندان، بزرگترین مسئولیت و کار زن شتاخته شد و در پی آن مشاغلی خاص از جمله مامایی و آموزش برای زنان، مناسب تشخیص داده شد. تحصیل در بعضی رشته‌ها از جمله معدن و احکام اسلامی.... ممنوع شد. بنیان همین تفکر سبب شد که به زنان پیشنهاد بازنشستگی زود هنگام بدهند یا از آنان بخواهند که با خانه‌نشینی راه را برای مردان بیکار باز بگذارند و در ضمن به کار اصلی خود یعنی خانه‌داری و تربیت فرزند بپردازند.

بنا بر ماده‌ی ۵۴ پیش‌نویس قانون کار اسلامی، زنان شوهردار می‌بایستی پروانه‌ی کار و فعالیت‌های اجتماعی از سوی شوهر را به

هنگام استخدام ارائه می دادند.

پیش از آن در بهار ۵۸ با این استدلال که زنان به دلیل ویژگی های خاص خود، توانایی قضاوت صحیح را ندارند، حق قضاوت از زنان سلب شده بود و حتی زنان حق تحصیل در رشته حقوق قضایی را نداشتند.

در اوایل دهه ۷۰ با تغییر گفتمان سیاسی و اقتصادی زنان به عنوان نیروی انسانی که باید رشد پیدا کنند، مطرح شدند. فضا برای نقد تبعیض های موجود در جامعه بازتر شد. اولین مجله مربوط به زنان با نام مجله «زنان» با هدف پرداختن به مشکلات این جنس آغاز به کار کرد. برخی از منتقدان معتقد بودند که برابری جنسی در اسلام وجود دارد اما متون اسلامی توسط مردان ضد زن تحریف شده است. با پیگیری مستمر فعالین حقوق زنان، مطالبات آنان برای برابری به موفقیت های ناچیزی دست یافت که از آن جمله، حق حضانت مادران تا سن ۷ سالگی فرزند بود که قدمی رو به جلو در بین خروارها قانون تبعیض آمیز بود.

در سال ۱۳۷۳، به زنان اجازه داده شد که به عنوان مشاور قضایی در دادگاه های ویژه خانواده حضور داشته باشند. در سال ۱۳۷۷ حضور مشاور حقوقی زن در دادگاه های رسیدگی به دعاوی حضانت الزامی شد. بعدتر اجازه قضاوت به زنان داده شد اما نه به عنوان قاضی.

تلاش‌ها برای کنترل جمعیت آغاز شد. اصلاحاتی در قوانین ازدواج، طلاق، و حضانت فرزندان صورت گرفت.

در سال ۱۳۷۶ شرایط ضمن عقد برای ازدواج پذیرفته شد که به زنان، حقوقی را که از آن‌ها سلب شده بود برمی‌گرداند البته تمامی حقوق مندرج در شرایط ضمن عقد، مشروط به امضای شوهر بود. دادگاه‌های خانواده دوباره تشکیل شدند و طلاق به آن‌ها ارجاع داده شد.

طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌های ایران که با تایید اعضای دهمین اجلاس دوره چهارم مجلس خبرگان ولی مطلقه فقیه همراه بوده در دو سال اخیر در گسترش است و دانشگاه‌های ایرانی یکی پس از دیگری خبر از اجرایی شدن آن را می‌دهند. طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها که از برچیدن اردوهای مختلط تا دخترانه، پسرانه کردن کلاس‌های درس و ورودی دانشگاه‌ها را در بر می‌گیرد، به یکی از اولویت‌های دولت دهم تبدیل شد که با روی کار آمدن کامران دانشجو به عنوان وزیر علوم ایران، با شدت و حدت بیشتری ادامه پیدا کرد و دانشگاه‌هایی مثل دانشگاه صنعتی شریف و مازنداران با جداسازی بعضی کلاس‌های درس خود پرچم‌دار اجرای طرح‌های وزارت علوم شدند.

لایحه حمایت از خانواده به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه هیات

دولت محمود احمدی نژاد در تیر ۱۳۸۶ تصویب و به مجلس ارسال شد. در ماده ۲۳ این لایحه گفته شده بود که مرد با توجه به شرایطی می تواند زوج دوم برای خودش اختیار کند؛ به طور مثال مردی که همسرش بیمار است و نمی تواند وظایف تعیین شده برای یک زن در آداب زناشویی رعایت کند، اگر همسر دومی بگیرد حق دارد و نمی توان به او گفت که چرا همسر دوم اختیار کرده است. و در ماده ۵۲ تصریح شده بود که وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است که برای مهریه های بالاتر از میزان متعارف مالیات تعیین کند. مجلس کلیات قانون را تصویب اما به علت اعتراضات گسترده بندهایی از آن را حذف کرد.

.....

در تمام این سالها زنان در بزنگاهی که حضورشان لازم بود، جاری می شدند، همچون سیلی خروشان. اما با این همه در آن هنگام که طوفان می نشست و گرد و غبار برچیده می شد از سیمای شهر، باز این زنان بودند که از یاد برده می شدند در لوایح، قانون ها، قانون گذاری ها، و در بطن تپنده زندگی.

زندگی‌های کوتاه

وجود نداشتن دوره نامزدی در ایران یکی از دلایل واقعه طلاق می‌باشد. ارتباط دختر و پسر، یا دوستی است یا ازدواج که خود به وجودآورنده‌ی مشکلات عدیده‌ی پس از ازدواج می‌باشد.

یکی از عوامل مهم دیگر دو ساختی شدن جامعه به سمت جامعه کهن و جامعه مدرن است. پسران بیشتر تحت نظام ارزشی کهن و دختران ساخت جدید و مدرن می‌باشند.

❖ جدی نگرفتن نقش مثبت مشاوره قبل از ازدواج.

❖ آگاهی نداشتن مشاورها با مشکلات جوانان امروزی که خیلی وقت‌ها بیشتر بستر گمراهی جوانان را به وجود می‌آورد.

❖ افزایش بیکاری، تورم و در نتیجه فقر که ازهم پاشیدن خانواده‌ها را به عهده دارد

❖ چند شغله شدن اعضای خانواده برای تامین معاش، فرصتی

برای با هم بودن باقی نمی‌گذارد. فاصله‌هایی که در اکثر موارد جدایی به همراه می‌آورد.

❖ مشکلات مالی، و تامین حداقل امکانات زندگی درگیری ذهنی و فکری را به دنبال می‌آورد. ترس جوانان برای ازدواج بیشتر می‌شود و اگر هم به ازدواج منتهی شود و به دنبال خود افزایش خشونت را به همراه می‌آورد.

❖ اعتیاد، سوءظن، خشونت خانگی، تنوع طلبی مردان و چند زوجه شدنشان.

در شرایط کنونی خرافه در بسیاری موارد تبدیل به قانون می‌شود و در نتیجه این ادعا که رفع تبعیض از زنان در دستور کار نظام قرار دارد فاقد محتوی شده و رنگ می‌بازد. با این وصف شایسته نیست. زنان ایرانی که قرنی است امیدها و آرزوهای خود را مثل صلیب بر دوش می‌کشند و هر بار به امید عافیتی جذب حرکت‌های سیاسی و فرهنگی عصر خود می‌شوند در دامان یاس فرو افتند و تن به هلاکت زیر ترس و سرکوب بسپارند. زنان را گریزی نیست جز آن‌که بر صلیب سنت سکوت را بشکنند. همچنان که پسندیده نیست مردان که آن‌ها نیز دیری است شاهد تعرض به حقوق انسانی خود شده‌اند، زنان را در کشاکش ماجرای بزرگ حق‌خواهی و عدالت‌جویی تنها بگذارند.

با مطالعه‌ی نمونه‌هایی از قوانین ناظر بر خانواده تردیدی باقی نمی‌ماند که:

اول: زنان ایرانی شریک اموال شوهران خود نیستند.

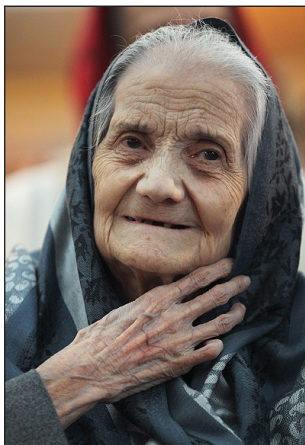
دوم: زنان ایرانی با وجود مهریه، اجرت‌المثل و نفقه، امنیت مالی و اجتماعی ندارند.

سوم: زنان ایرانی در صورت وقوع طلاق همه امکانات رفاهی را از دست می‌دهند.

چهار: زنان ایرانی در صورت ابتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج، حتی در دوران زناشویی نمی‌توانند شوهر را مجبور به تامین مخارج درمان کنند.

پنج: در صورت فوت شوهر نخستین خطری که آن‌ها را تهدید می‌کند بی‌خانمانی است.

شش: زن شوهردار برای اشتغال باید رضایت شوهر را کسب کند، لذا نمی‌تواند آزادانه از فرصت‌های شغلی خود استفاده کند.



آلینوش طریان

زندگی شخصی

آلینوش طریان در تهران و در تاریخ سه‌شنبه ۹ نوامبر ۱۹۲۰ (۱۸ آبان ۱۳۹۹) از پدر و مادری ارمنی و مسیحی زاده شد. طریان در تاریخ ۱۵ اسفند ماه ۱۳۸۹ به علت کهولت سن در تهران در گذشت. او در اواخر عمر در سرای سالمندان اقامت داشت. پدر طریان در جلفای اصفهان و مادرش در تهران چشم به جهان گشودند. پدر طریان پاره‌هایی از شاهنامه را به ارمنی بازگردانی کرده بود. مادر طریان نیز دانش‌آموخته رشته‌ی ادبیات از سوئیس بود.

زندگی علمی

طریان تحصیلات پایه را در مدرسه ارامنه و دبیرستان را در انوشیروان دادگر زرتشتیان سپری کرد. سپس به گروه فیزیک دانشکده علوم دانشگاه تهران رفت و با دریافت درجه کارشناسی در خرداد ماه ۱۳۲۶ دانش آموخته شد و همان جا به عنوان متصدی عملیات آزمایشگاهی دانشکده علوم استخدام شد. سپس برای بورس تحصیلی درخواست کرد، ولی محمود حسابی - رئیس وقت گروه فیزیک - به دلیل زن بودن او، مخالفت کرد. وی تحصیل را تا همین جا هم برای طریان زیاد می دانست.

طریان به هزینه پدر خود راهی فرانسه شد و در دانشگاه سوربن درس خواند و سرانجام در سال ۱۹۵۶ میلادی دانشنامه دکترای خود را کسب نمود. با وجود پیشنهاد استادی در دانشگاه سوربن، دکتر طریان به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به عنوان دانشیار ترمودینامیک منصوب شد.

وی به زبان های فارسی، فرانسوی تسلط و با ترکی و انگلیسی آشنایی داشت.

طریان در سال ۱۳۵۸ پس از سی سال کوشش پیوسته به درخواست خویش باز نشسته شد.

از استادان بانو طریان می‌توان، کمال‌الدین جناب و دکتر علی‌اکبر خمسوی نام برد.

خدمات علمی

- ◆ پایه‌گذاری نخستین رصدخانه فیزیک خورشیدی
- ◆ برای نخستین بار درس‌های فیزیک خورشیدی و اختر فیزیک را ارائه داد.
- ◆ طریان برای گسترش دانش و بهره‌گیری دانشجویان ارمنی خانه خویش را وقف کرد.
- ◆ پایه‌گذاری نخستین تلسکوپ خورشیدی



مرد خانه‌دار

آیا تا کنون واژه‌ای به نام «مرد خانه‌دار» را شنیده‌اید؟ آیا به نظر شما این واژه خندار و مضحک است؟ اکثر مردم بنا به تربیت و فرهنگ غلط، خانه‌داری را از وظایف زنان می‌دانند. حتی زنان شاغل، علاوه بر مسئولیت شغلی موظف به انجام کارهای خانه هستند. از دید جامعه مردسالار و سنت‌زده ما، فعالیت مردان در خانه نه از سر وظیفه بلکه نشان محبت و لطف مرد نسبت به همسر خود، آن هم به صورت بسیار کم پذیرفته می‌شود و اگر مردی به طور مساوی در امور منزل شرکت کند «مرد ذلیل» خوانده می‌شود. اکثر مردان گمان می‌کنند کار خانه بسیار آسان است در صورتی که، کار منزل به شدت تکراری، یکنواخت و تمام‌نشدنی است. این در حالی است که، قانونا و شرعا خانه‌داری از جمله وظایف زن محسوب نمی‌شود و زن می‌تواند بابت ار خانه از همسر خود

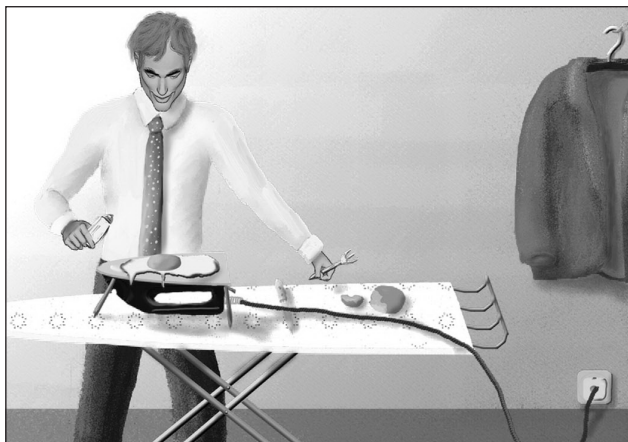
حقوق دریافت نماید.

اسفند/۹۰

امروزه با توجه به این که تعدادی از زنان در فعالیتهای بیرون از منزل مشغولند رفته رفته باید این تفکر غلط از بین برود چرا که وقتی تمام کارهای خانه، بیرون، و تربیت فرزندان فقط به عهدهی یک نفر باشد حس بیهودگی و این که واقعا نقشش در خانه چیست و بدل به یک خدمتکار شده است در او پررنگ می شود و احساس خستگی اش را تشدید می کند.

❖ باید چه کنیم؟

گام اول: باید به مردان آموزش داد که خانه داری وظیفه زنان



۸ مارس، روز جهانی زن گرامی باد —————
 نیست. و زنان را به این باور رساند که در انجام کارهای منزل از همسر و فرزندان خود کمک بگیرند.

گام دوم: زن و مرد باید فهرستی از کارهای خانه تهیه کنند و هر کدام بنا به علائق و توانایی خود وظیفه‌ای را مشخص کنند.

➤ **پس از تقسیم کار به چند نکته باید توجه کرد:**

اول: در انجام وظیفه خود کوتاهی نکنید و آن را به تعویق نیندازید. کارها را سرسری انجام ندهید تا دیگری مجبور به تکمیل آن شود.

دوم: در کارها از همسر خود ایراد نگیرید و بگذارید هر طوری هست خودش آن کار را تمام کند و از این

سوم: جمله استفاده نکنید: «مردا کارشون کثیفه، کارشونو قبول ندارم»

چهارم: هرگز از جمله «آخه اون که بلد نیست» استفاده نکنید.

پنجم: انجام کارهای خانه امری آموختنی است و زنان به صورت ذاتی آن را بلد نیستند.

ششم: از یکدیگر قدردانی کنید.

➤ **جمله آخر:**

خانه مال هر دوی شماست.

نیمی از دختران کشور بیکارند

زنان ایرانی در تمام ادوار تاریخ در کنار مردان فعالیت کرده و هیچ گاه یک مصرف کننده صرف نبوده است، اما با ورود مدرنیته به زندگی شهری ایرانیان و طرح مسائلی مانند افزایش حضور دختران در دانشگاه‌ها، افزایش مشارکت اجتماعی و تعیین نقش زنان خانه‌دار در تولید ناخالص ملی کشور نگرش به حضور اجتماعی زنان دگرگون شده است.

از یک سو زنان حق خود می‌دانند که با افزایش سطح سواد و تحصیلات، توانمندی‌های خود را به نمایش بگذارند و از سوی دیگر فرزندپروری، کانون خانواده و صیانت از آن هم‌چنان به عنوان اولین وظیفه زن محسوب می‌شود.

جامعه به دنبال پررنگ‌تر کردن نقش زنان در خانه است و این امر با حضور در سطح اجتماع و ساعات طولانی کار هم‌خوانی

ندارد. علاوه بر این، بر اساس آموزه‌ای دینی نیز در تقسیم‌بندی اولویت‌های ارزشی نقش زنان ابتدا برای زنان همسری، مادری، خانه‌داری و سپس فعالیت اجتماعی قرار می‌گیرد.

گاهی برای درک آمارهای اقتصادی نیاز نیست اقتصاددان باشید. نرخ بیکاری زنان در بهار امسال ۲۵ درصد و تابستان ۲۸ درصد بود. روند آن نسبت به تابستان ۸۸ رشد ۲ درصدی را نشان می‌دهد.

در حال حاضر هر چند در مجموع سهم جنسیتی زن و مرد در جمعیت دانشجویی کشور یکسان است اما در دانشگاه‌های دولتی و پیام‌نور به ترتیب ۵۵ و ۷۷ درصد دانشجویان زن هستند. با این وجود سهم اندکی از کار نصیبشان می‌شود.

طبق آخرین آمار از هر ۲۳ میلیون شاغل تنها سه میلیون و هشتصد هزار نفر آنان زن هستند یعنی فقط ۱۶ درصد. قابل توجه اینکه حضور زنان بیشتر در بخش خدمات پررنگ است که ازاهمیت و پایداری شغل حداقل برخوردار است.

کارشناسان در مورد ادامه‌ی صعودی بودن روند بیکاری دختران؛ نامناسب بودن کسب و کار کشور، نوع نگاه جامعه به زنان، فراهم نبودن فرصت‌های شغلی برای دختران و در نتیجه جذب نشدن دختران فارغ التحصیل دانشگاهی به فرصت‌های شغلی را عوامل

افزایش بیکاری عنوان می‌کنند.

نیاز زنان به استقلال و ضرورت کار مرد و زن برای گذران زندگی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی طی دهه‌های اخیر نه فقط در کشور ما بلکه در تمام کشورهایی است که مدرنیته را تجربه کرده‌اند و نگرش مردانه به مسائل زنان باعث شده است در بسیاری از موارد، تحولات منفی اجتماعی به پای زنان نوشته شود. به عنوان مثال بسیاری هم اکنون معتقدند که حضور زنان در بازار کار، عرصه را بر مردان تنگ کرده است اما فقط ۱۱ درصد زنان جامعه ما شاغل هستند و حجم عظیم بیکاری را نمی‌توان به گردن زنان انداخت.



شمسی شمس (شمس)

شمسی شمس در رشت متولد شد و در مدرسه پیک سعادت تحصیل نمود.

او از سال ۱۳۲۷ هجری شمسی خوانندگی را شروع کرد. ابتدا در برنامه‌های «شیر و خورشید سرخ» و بعد به نام ناشناس در رادیو تهران می‌خواند. وی همسر حبیب الهی بدیعی بود و در زمان فیلمبرداری فیلم «ولگرد» با هم آشنا شدند. این



خواننده نزد ابوالحسن صبا و حسین یاحقی تعلیم گرفت و از سال ۱۳۳۳ هجری شمسی یا ۱۳۳۴ هجری شمسی تا پایان سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در ارکستر شماره‌ی شش رادیو تهران که رهبری آن را بدیعی به عهده داشت می‌خواند. برنامه‌های این ارکستر شب‌های جمعه از رادیو پخش می‌شد. از معروف‌ترین تصنیف‌های این دوران تصنیف «نرگس شیراز و دختر سنبل فروش» می‌باشد. او در سه فیلم سینمایی به نام‌های «ولگرد» به کارگردانی مهدی رییس فیروز (۱۳۳۱ ه.ش)، «خورشید می‌درخشد» به کارگردانی سردار ساکر (۱۳۳۵ ه.ش. همه گناه کاریم» به کارگردانی عزیز رفیعی بازی کرده است.

نام بانو شمس از یک طرف در ردیف نام‌های معروف آن زمان چون روح انگیز، ملوک ضرابی و روح‌بخش می‌نشست در حالی که به لحاظ زمانی، یک نسل با آن‌ها فاصله داشت و به لحاظ کار موسیقی هم در آن پایه قرار نداشت. از طرف دیگر او همدوره دلکش، مرضیه و پروین بود و مانند یکی از آن‌ها دردوره اول سینمای ایران نقش‌هایی ایفا کرد. در هر حال صدای دلنشین او در ترانه‌هایی چون «نرگس شیراز» که مرغ زیبا را به سخن و گل را به چمن باز می‌آورد، هنوز هم ورد زبان کسانی است که آن سال‌ها را به یاد دارند یا به موسیقی ایرانی عشق می‌ورزند. شاید

بتوان گفت که شعر برخی از شعرا و ترانه سرایان فارسی با صدای دلکش او بود که ماندگار شد. مانند همین «نرگس شیراز» که شاعر آن معینی کرمانشاهی است یا بعضی شعرهای کریم فکور و بیژن ترقی. با وجود آن که در زبان فارسی ترانه‌های خوبی از بانو شمس به یادگار مانده اما او بیشتر به خواننده تصنیف‌ها و ترانه‌های گیلکی شهرت داشت. ترانه‌هایی که او با خواننده دیگر هم دیار خود «شاپور جفروودی» اجرا کرده از شهرت و محبوبیت بیشتری برخوردار است.

سنبیل به چمن با ناز آمد
گل به گلستان باز آمد
در بزم جهان بوی نرگس
از چمن شیراز آمد
مرغ زیبا آمد به سخن / آمد به سخن
شوری دیگر دارد دل من / دارد دل من
نوشتد هر کس جامی / از دست دلارامی
گیرد ز جهان کامی
گل چون بیند روی ترا / رخسار دلجوی ترا
جلوه نماید، عطر افشانی از سر گیرد
تازه شود گل، عشق و شوری دیگر گیرد

نقل قول

نقل قول هایی وجود دارد که عموماً جهت اثبات فرودستی و سستی عقل و خرد و اراده ی زن است و بر رفتار تحکم آمیز و ریاست بی قید و شرط مرد بر او صحه گذارد.

۱. از سه چیز باید حذر کرد: دیوار شکسته، زن سلیطه، سگ گیرنده (علی اکبر دهخدا، امثال و حکم)

(توضیح: در اینجا زن سلیطه یعنی زن زبان دراز)
۲. زن ناقص العقل است.

(پذیرش ولایت و سرپرستی و ریاست مرد بر زن نتیجه ی ناگزیر این ضرب المثل است.)

۳. زن خوب فرمانبر پارسا / کند مرد درویش را پادشاه

(زن اگر مطیع نباشد شایسته و قابل احترام نیست.)

۴. زن که رسید به بیست باید به حالش گریست

(این ضرب المثل بر پیری زودرس زن توجه می دهد و جاذبه های جنسی او را تا مرز ۲۰ سالگی تایید می کند و هرنوع تکامل؟ و عقلی زن را نفی می کند.)

۵. زن از پهلوی چپ شد آفریده / کس از چپ راستی هرگز ندید

(اشاره به داستان آفرینش در قرآن است که می گوید زن از دنده ی چپ مرد آفریده شده و در فرهنگ ایران یکی از معانی مجازی «چپ» گمراهی و انحراف است و یکی از معانی «راست» برگزیدن راه درست در زندگی است.)

۶- زن گر نه یکی هزار باشد / در عهد، کم استوار باشد
(اشاره ای بر اینکه زنان عهدشکن هستند یعنی ضرورت کنترل زنان در؟ امور)

۷. زنان را همین بس بود یک هنر/ نشینند وزایند شیران نر
(زن جز زاییدن مردان شجاع به کار نمی آید و لازم نیست در انواع فعالیت های اجتماعی شرکت کند.)

۸. زنان چون ناقصان عقل و دینند / چرا مردان ره آنان گزینند
(پیام این است که زنان نباید طرف مشورت مردان قرار گیرند.)

۹. زنان چون درختند سبز آشکار / ولیک از نهان زهر دارند
۱۰. زنان را بود شوی کردن هنر / بر شوی زن به که نزد پدر
(زنان را به خانه شوهر می فرستند تا صفت ترشیده شامل حالشان
نشود حتی به ازدواج های ناخواسته تن می دهد برای گریز از ترشیده
شدن، در مجموع فرهنگ ایرانی حفظ ارزش و شرافت زن را در
این می داند که تحت هر شرایطی زندگی زناشویی را و به گسیختن
آن اقدام نکند.)



حق مسلم بدن!

تاریخ چه فراموش کار است و چه زود فراموش می کند احوال گذشته خود را!

۱۷ دی ۱۳۱۴ فرمان رسمی منع حجاب صادر شد و ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ فرمان رسمی اجباری بودن حجاب میان این فرمان آن چه به یقین از نظر پنهان ماند، حضور مردمی آگاه و قائل به حقوق اولیه خود، بود. پس از صدور فرمان حجاب اجباری، در روز جهانی زن «۱۷ اسفند» در سال ۱۳۵۷ بزرگترین تظاهرات زنان برای مخالفت با این فرمان برگزار شد. تلاش ها و اعتراضات گسترده زنان متعاقب این تظاهرات توانست تحقق این فرمان را چندین سال به عقب براند. نهایتاً حجاب تدریجاً، ابتدا در نهادهای دولتی و سپس در مدارس و سایر نهادهای اجتماع اجباری شد. حق تسلط بر بدن از حقوق مسلم و بدیهی هر انسانی است اما این مهم برای زنان همچون بسیاری از امور دیگر در هاله ای از ابهام است. چه

آن‌هنگام که به اجبار در تصویر او از آینه‌های اجتماع هر نوع پوششی ستانده می‌شود و یا آن‌گاه که با ضرب تهدید و ارعاب، پوششی به او تحمیل می‌شود.

هم‌اکنون در کشورهای ترکیه، فرانسه و تاجیکستان زنان از پوشش اسلامی در اماکن دولتی و مدارس منع می‌شوند. و در کشورهای عربستان سعودی و افغانستان و ایران اجبار به پوشش اسلامی وجود دارد.

تغییر برای برابری

www.1millionchange.info

مدرسه فمینیستی

www.iranfemschool.com

کانون زنان ایران

www.ir-women.com

جهان زن

www.jahanzan.wordpress.com

تماس با ما

barabary@gmail.com